

نامه مادر امید کوکی برای درخواست آزادی فرزندش از رهبری به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید

به نام خدای عادل و حکیم

ان تبدوا خیرا او تخفوه او تعفوا عن سوء فان الله کان عفوا قديرا (نساء/ 149)

در باره خلق به آشکار یا پنهان نیکی کنید یا از بدی دیگران بگذرید که خدا همیشه از بدیها در می گذرد با آنکه در انتقام بدان توانا است.

حضرت آیت الله خامنه ای با سلام و دعا.

من مادری درد کشیده هستم و دوری از فرزندم که اکنون بیش از هزار و هفتصد روز است، هم برای من و هم برای پدرش درد سنگینی داشته و دارد و هر روزش را با اعتقاد و باور بر آزادی پسرمان از زندان، به شب رسانده و با دعا و توکل به خدا با آرزوی آزادی اش شب را به صبح می رسانیم، چراکه ایمان داریم فرزندانمان درستکار پروراندیم. ما همه راه های قانونی را برای آزادی فرزندمان رفته ایم اما کسانی هستند که حتی راه های قانونی را می بندند و امروز به عنوان آخرین ملجاء به شما تظلم کرده و تقاضای یاری داریم.

حضرت آیت الله، چون بارها در خبرها شنیده و خوانده ایم که شما بر رشد پیشرفت علمی تاکید دارید و راه نجات کشور را از دشمنان خارجی مجهز شدن به دانش های پیشرفته می دانید و برای دانشجو و دانشگاه اهمیت ویژه قایل هستید امید داریم که این آخرین تقاضای ما بی پاسخ نماند.

برای پنجمین سال متوالی است که وقتی در شروع سال تحصیلی در دانشگاه ها باز می شود مثل امروز با خود می گوئیم جای امید در کشوری که رهبرش اینهمه بر پیشرفت علمی تاکید می کند در کلاس و درس و دانشگاه است یا در گوشه زندان؟ نگذارید امسال هم دوباره این سوال را تکرار کنیم. از مقام معظم رهبری که میدانم علاقه زیادی به کتاب و دستداران کتاب دارند و همیشه تمام دانشگاهیان عزیز کشورمان را به خواندن بیشتر کتاب تشویق می کنند، درخواست می کنم که دستور دهید پسرمان امید جان را که فرزند همین خاک و بوم هست و به خاطر کسب مقام المپیادی و کسب رتبه 1 منطقه 3 به عنوان نخبه فیزیک توسط شما در دیدارتان با نخبگان در سال 1382 مورد تقدیر و تشکر قرار گرفته اند، آزاد کرده و به جایی که متعلق به آن است یعنی به آغوش درس و دانشگاه به مناسبت بازگشایی مدارس و دانشگاه برگردانید.

آرزوی پسرمان امید هم، همچون تمام فرزندان کشور عزیزمان ایران، سربلندی ایران عزیز است و همانطور که از سنین کودکی، برای کشور عزیزمان افتخار آفرینی کرده، همچنان علاقه مند به پژوهش و تدریس در دانشگاههای کشور عزیزمان ایران است.

پسرمان امید، یکی از 9 فرزندی هست که در خاک این مرز و بوم بالیده و خداوند متعال، استعداد و نبوغ خاصی را در دل تک تک فرزندانمان نهاده که با زحمات و تربیت پدرش که معلم بوده، هم اکنون، همگی در مقاطع تحصیلی بالا و با رتبه های تک رقمی کنکور در نظام مقدس جمهوری اسلامی بالیده و هم اکنون درحال تحصیل و یا خدمت علمی به کشور عزیزمان ایران هستند.

من نمی خواهم وارد محتوای پرونده شوم و می دانم اگر شما بخواهید می توانید از طریق منابع بیطرف که مورد اعتماد خودتان هم هستند (نه کسانی که پرونده سازی کرده اند) کسب اطلاع کنید که پسر من واقعا گناهی نکرده است و چه سندی بالاتر از این که دیوان عالی کشور که بالاترین مقام قضایی در کشور است، مرداد ماه سال گذشته رای بر بیگناهی پسرمان داد و محکومیت او را فاقد دلیل و ناصحیح تشخیص و دستور رسیدگی مجدد را صادر نمود و در حالی که ما امیدوار به برگشت فرزندمان به فضای خانه و دانشگاه بودیم، دادگاه معترض بدون حتی یک سطر استدلال منطقی و قانونی باکمال

تعجب و با رد استدلالات دیوانعالی کشور ( بالاترین دادگاه در نظام قضایی کشور ) محکومیت اشد قبلی را دوباره ابقا کرد و متأسفانه همچنان پسر بیگناه در اوین به سر می برد. او حتی اگر مجرم هم بود 5 سال از ده سال محکومیت خود را گذرانده است و طبق قانون با تحمل یک سوم حبس باید آزادی مشروط دریافت می کرد یا مشمول یکی از عفو ها در مناسبت ها و اعیاد مبارک می شد اما این حق قانونی را هم از او دریغ می کنند تا نگذارند امثال او به کشوری که عاشق آن هستند دلبسته بمانند.

و هم اکنون نه تنها بعد از قریب پنج سال، پسر سر درس و مشقش برنگشته، بلکه در زندان او را از خواندن کتاب های فیزیک و درسی اش باز می دارند و می گویند که کتاب نخوان. کتاب خواندن بزرگترین لذت او است. پسر از زمانی که 5 سالش بود و حتی مدرسه نرفته بود عاشق کتاب بود و میدانست که کتاب، راه به روشنی دارد و آن را مقدس می شمرد.

در تمام طول مدت که هم اکنون قریب به پنج سال هست، برخلاف رویه زندان و حتی زندانیان سیاسی، پسر حتی یکساعت مرخصی (چه درمانی و چه برای دیدار با خانواده ) نداشته است و علیرغم درخواستهای مکرر و پیگیری ها هیچگاه به فرزندم اجازه ملاقات با وکیلش هم برای مشورت در طول دادرسی اش، حتی داده نشده است.

متأسفانه فرزندم بعد از گذراندن 5 سال، دچار مشکلات و بیماریهای متعدد شده اند که خانواده را بسیار نگران کرده است. او با درد فراوان و بدون هیچ درمانی تابحال در طول این دوره 4 بار سنگ کلیه دفع کرده، مشکلات شدید معده داشته و تاکنون 4 عدد از دندانهایش را از دست داده و خصوصاً اینکه به خاطر فشارهای زیاد زندان دچار تپش قلب و مشکلات قلبی شده است و علیرغم تجویز و تاکید پزشک زندان مبنی بر ضرورت درمان در خارج زندان، همچنان از درمان محروم مانده است، از شما خواستارم با آزادی پسر، بخشی از این درد بزرگ را التیام بخشید.

صفر بی بی حق نظری

1 مهر سال 1394